

آموزش فا در مراسم تأسیس انجمن فالون دافای سنگاپور

لی هنگجی

۲۸ ژوئیه ۱۹۹۶

خیلی خوب، بگذارید فقط در اینجا بایستم و بگذارم همه مرا واضح ببینند. می‌خواهم از افراد در بخش‌های مختلف سنگاپور تشکر کنم که به شکل‌های مختلف از انجمن فالون دافا حمایت کرده‌اند. همچنین می‌خواهم از طرف همه شما، از افراد در بخش‌های مختلف در سنگاپور برای پشتیبانی و امکان‌پذیر ساختن تأسیس انجمن فالون بودا قدرانی‌ام را ابراز کنم. بیایید همگی آنها را تشویق کنیم. (تشویق) تشکیل انجمن بودا به مردم بیشتری کمک می‌کند تا فا را بدست آورند، و به افراد بیشتری با رابطه تقدیری اجازه می‌دهد تا این فا را مطالعه کنند. آن تحت حمایت قوانین ملی، شرایط خوبی را برای همه شما در تمرین آینده‌تان و در انجام این کار خوب برای عموم مردم فراهم خواهد کرد.

من چیز زیادی برای گفتن آماده نکرده‌ام. حالا از این فرصتِ گردهم‌آیی برای صحبت در مورد آنچه که به ذهن می‌آید استفاده خواهم کرد. ابتدا فالون گونگ را معرفی خواهم کرد که تاریخی طولانی دارد. افراد در محافل تزکیه می‌دانند که تمدن‌ها بیش از یکبار در دنیای بشری ظهور کرده‌اند. تمدن‌ها چندین بار در جهان بشری ظاهر شده‌اند. زمانی که در سراسر دوره طولانی تاریخ، اخلاقیات انسانی به تدریج نزول پیدا کرده و فاسد می‌شود، نژاد بشر رو به افول قرار می‌گیرد. معمولاً موضوع این است. همچنین، همان‌طور که در مرحله نهایی توسعه یافت، زمانی که انحطاط مادی و فساد معنوی در اوج بود، فروپاشی عظیمی در ارزش‌های اخلاقی انسان ایجاد کرد. در چنین شرایطی، نژاد بشر به افول می‌رود. نژاد بشر چندین بار این وضعیت را گذرانده است، و به همین دلیل است که بیش از یک تمدن بشری وجود داشته است - تمدن‌های بسیاری به وجود آمده‌اند. عصر حجر که مردم در مورد آن صحبت می‌کنند، فقط یک بار نبوده است. نژاد بشر از میان عصر حجرهای بسیاری گذشته است. آن به این دلیل است که وقتی نژاد بشری با این نوع مشکلات مواجه شد، تمام وسایل و تجهیزات تولید و دانش آنها نابود شدند.

می‌دانید، در دوره اولیه تمدن بشری فعلی - چهار یا پنج هزار سال پیش - زمین ما وقوع سیلی بزرگ را تجربه کرد، و تمام تمدن سفیدپوستان در اروپا را غرق کرد. البته، مقدار کمی [چیزهای] گران‌بها باقی ماند، هرچند هنوز هم می‌توانیم چشم‌اندازی از پیشینه ماقبل تاریخ را از آثاری که باقی مانده ببینیم. به‌عنوان مثال، شواهدی از وجود تمدن‌های ماقبل تاریخ را می‌توان در یافته‌های باستان‌شناسی که شامل فرهنگ یونان باستان است، مشاهده کرد. در شرق، نسبتاً چیزهای بیشتری از این سیل بزرگ جان سالم به در بردند. همه داستان یوی بزرگ را می‌دانند که سیل را کنترل می‌کرد. سیل در آن زمان شدید بود، و زمانی که شدت آب کم می‌شد، یوی بزرگ برای هدایت آب به بیرون از سرزمین‌های سیل‌زده، مردم را رهبری می‌کرد. این در تاریخ ثبت شده است. تمدن باستانی بشر در آن زمان - تمدنی که در آخرین چرخه بود - توسط سیل بزرگ تخریب شد، اما بسیاری از اجداد مردم چین از سیل عظیم جان سالم به در بردند و مصنوعات نسبتاً بیشتری باقی ماند. در مقایسه، غربی‌های کمتری زنده ماندند. به همین دلیل است که فرهنگ غرب امروز کاملاً جدید است، فرهنگی که کاملاً جدید است و بدون هیچ اثری از تاریخ باستانی است. بنابراین، تمدن باستانی چین دارای تاریخی عمیق ریشه‌دار است و مسیری متفاوت از علم مدرن دارد.

بنابراین در این تمدن‌های باستانی، چیزهای زیادی وجود دارد که مردم امروزه هنوز قادر به درک آنها نیستند و از فرهنگ مدرن جدا هستند. بنابراین، بسیاری از مردم، از جمله غربی‌ها، می‌دانند که در چین چیزهای اسرارآمیز بسیار زیادی وجود

دارند- چیزهایی که مردم امروزه نمی‌توانند درک کنند. مردم چینی خودشان این را می‌دانند. در سرزمین چین، چیزهای زیادی از فرهنگ باستان وجود دارد که نمی‌تواند توسط مردم مدرن فهمیده شود. برخی افراد درباره آنها شنیده‌اند و آنها را دیده‌اند، با این حال نمی‌توانند آنها را توضیح دهند، و تاکنون نه کسی این آثار باستانی را افشاء و نه آنها را به مردم معرفی کرده است. از آنجایی که بیشتر اجداد مردم چینی [در دوره آن سیل] جان سالم به در بردند، بخشی از فرهنگ باستانی به‌جای مانده است.

در گذشته، نژاد باستان چینی در جایی که اکنون دره رودخانه زرد قرار دارد متمرکز نبود؛ در عوض، در منطقه شین‌جیانگ قرار داشت. پربارترین دوران این تمدن در آن منطقه رخ داده است. به‌دلیل نزدیکی کوه کونلون، زمین در مناطق همسایه، بسیار مرتفع بود. سطح آب سیل بزرگ در آن سال به ارتفاع دو هزار متر رسید، و تمام زمین غرق شد. اما هنگامی که سیل بزرگ فروکش کرد، بسیاری از مردم با فرار به کوه کونلون، نجات یافتند، و برخی از چیزهای فرهنگ باستان حفظ شدند. به عنوان مثال آنها شامل این موارد می‌شوند، نمادهای هتو و لوشو، تای‌چی، هشت سه‌نگاره اصلی (باگوآ)، و موارد دیگری که برخی از مردم در چین هنوز نمی‌توانند درک کنند، و همچنین برخی از شکل‌های باستانی چی‌گونگ که امروزه مردم آنها را می‌شناسند.

ساده بگوییم، چی‌گونگ چیزی نیست که توسط مردم امروزی اختراع شده باشد. آن بخشی از فرهنگ ماقبل تاریخ است، و آن در چین نسبتاً بیشتر است. اما در گذشته آن چی‌گونگ نامیده نمی‌شد. پس چه چیزی نامیده می‌شد؟ آن «تزکیه» (شیولیان) نامیده می‌شد. البته، تزکیه به سطوحی تقسیم می‌شود، و در سطح جامعه عادی بشری، صرفاً می‌توان به مردم گفت که چگونه خود را شفا دهند، تندرست شوند، و چگونه بدن خود را سالم نگه دارند. بنابراین برخی از استادان چی‌گونگ از این، برای انجام کارهای خوب برای مردم استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، آن استادان چی‌گونگی که تمرین‌های خود را در جامعه انتقال می‌دهند، شامل آن افرادی که به کشورهای دیگر رفته‌اند، فقط در حال آموزش چیزها در سطح سلامتی و تندرستی هستند. اکنون نمی‌گوییم که شیوه‌های چی‌گونگی که دیگران آموزش می‌دهند خوب نیستند. در حال گفتن این به شما هستم که آنها چیزها را در سطوح بالا آموزش نداده‌اند؛ در عوض، فقط چیزهایی را برای سلامتی و تندرستی آموزش می‌دهند و آن را با نمایش برخی از توانایی‌های فوق‌طبیعی ترکیب می‌کنند. همانطور که مردم را شفا می‌دهند، برخی از بیماری‌ها می‌توانند فقط از طریق روش‌های فوق‌طبیعی برطرف شوند، به همین دلیل برخی از توانایی‌های فوق‌طبیعی ظاهر می‌شوند.

«توانایی فوق‌طبیعی» فقط یک اصطلاح مدرن است، و اساساً به توانایی‌های ذاتی یک موجود اشاره می‌کند. با توجه به گستردگی رو به افزایش چیزهای مادی و پیشرفت علم، مردم حتی اهمیت بیشتری به موارد عملی می‌دهند، و به‌طور فزاینده توانایی‌های ذاتی و چیزهایی را که از باستانی‌ترین زمان‌های قدیم با آنها بوده است را رها می‌کنند. اگر این روند ادامه یابد، در آینده علم و فناوری احتمالاً بیشتر توسعه خواهد یافت در حالیکه موجودات انسانی به‌طور پیشرونده‌ای انحطاط خواهند یافت. در حال حاضر قطارها، ماشین‌ها، و هواپیماها وجود دارند، بنابراین هیچ کسی نیازی ندارد خیلی راه برود. در آینده، با افزایش پیشرفت در زمینه‌های مادی، موجودات بشری ممکن است به‌طور بسیار شدیدی انحطاط یابند. اگر از منظر «نظریه تکامل» بگوییم، سطح بدن انسان در آینده به‌طور کامل انحطاط خواهد یافت، و در نهایت دست و پاها را از انسان از شکل افتاده و کوچک می‌شود، و تنها یک جمجمه بزرگ باقی می‌ماند. البته من اینجا فقط در حال اشاره به یک نکته هستم. ایده این است که، بیشتر و بیشتر چیزهای ذاتی و اصلی انسان کنار گذاشته شده است.

جامعه چین باستان به این شکل توسعه نیافت. بنابراین برخی افراد ممکن است تعجب کنند: «اگر چیزها در چارچوب جامعه چین باستان توسعه می‌یافت، آیا پیشرفت‌های فناورانه را می‌داشتیم؟» البته اگر سعی کنید نوع دیگر علم را از منظر تئوری‌های علمی و فناوری موجود بفهمید، هرگز قادر به درک آن نخواهید بود. اگر بخواهید نگرش علمی دیگری را درک کنید، باید از محدوده علم امروز بیرون بروید. و درون آن نوع دیگر از فرهنگ، مردم فکر می‌کنند که / این در واقع وضعیت مورد انتظار جامعه است. بعضی از مردم گفته‌اند: «اگر چیزها در چارچوب جامعه شرق قدیم پیشرفت می‌کرد، آیا ماشین‌ها و هواپیماها وجود می‌داشتند؟ من دیروز [با هواپیما] از هنگ‌کنگ به سنگاپور پرواز کردم و فقط سه ساعت طول کشید. سریع بود! نوع بشر به مرحله کاملاً پیشرفته‌ای توسعه یافته است. آیا اگر چیزها روش جامعه چینی باستان را دنبال می‌کرد، نیز همینطور بود؟»

درواقع، مردم می‌دانند که راه‌های مختلف علمی، روش‌های مختلفی را برای توسعه علمی ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، فرض کنید همه چیز مطابق جامعه چین باستان توسعه می‌یافت. همان‌طور که می‌دانید تمرین چی‌گونگ می‌تواند توانایی‌های نهانی ذاتی بدن انسان را توسعه دهد. به عبارت دیگر، تمرین چی‌گونگ می‌تواند چیزهای نامرئی را به چیزهای ملموس تبدیل کند، و در نهایت چیزی را که قابل مشاهده نیست، به صورت قابل مشاهده تبدیل می‌کند، و همه اینها می‌تواند بدون استفاده از ابزار یا روش‌های علمی یا فناوری مدرن انجام شود. هنگامی که برای اولین بار به حالت سکون در مدیتیشن چی‌گونگ وارد می‌شوید، خیلی [چیزی] احساس نمی‌کنید. اما وقتی کاملاً آرام می‌شوید، می‌بینید که اگرچه ترکیب بیرونی بدن‌تان حرکت نمی‌کند، داخل بدن‌تان حرکت می‌کند؛ در درون احساس حرکت خواهید داشت. و این حرکت، که در ابتدا به سختی قابل درک است، به‌طور فزاینده‌ای واضح خواهد شد تا اینکه در نهایت بسیار واضح می‌شود [طوری] که آگاهی شما می‌تواند آن را کنترل کند، در نتیجه انتقال از [وضعیت] ناملموس به ملموس روی می‌دهد. بنابراین، در نهایت، همان‌طور که یک تمرین‌کننده به صعود ادامه می‌دهد این آگاهی و احساس می‌تواند به آهستگی ملموس شود. هنوز هم مواد بی‌شماری وجود دارند که انرژی را حمل می‌کنند و در جهان، هستی دارند که علم و تکنولوژی امروز نمی‌تواند آنها را تشخیص دهد. همان‌طور که این انرژی به‌طور مداوم تمرین‌کننده را تقویت می‌کند، این مواد نامرئی و بی‌شکل، به تدریج ملموس می‌شود، و سپس مردم می‌توانند آنها را ببینند و حتی از آنها استفاده کنند. اگر این مسیر دنبال شود، مطمئناً کیفیت انسان بالا خواهد رفت. در گذشته دانشجویان، دانش‌پژوهان کنفوسیوس نامیده می‌شدند، و قبل از شروع کلاس، مجبور بودند در مدیتیشن بنشینند، تنفس خود را تنظیم کنند، و قبل از خواندن کتاب‌هایشان، ذهن خود را آرام کنند. واقعاً در گذشته این‌گونه بود. در چین باستان تنظیم تنفس و آرام کردن ذهن برای افراد در تمام حوزه‌های زندگی مهم بود. با بودن در چنین شرایطی، مردم می‌توانند کارهای زیادی را انجام دهند که به‌طور معمول نمی‌توانستند انجام دهند و این به تزکیه چی‌گونگ بسیار نزدیک است. چنین فرهنگی همیشه در ذهن [مردم] چین باستان نفوذ کرده است.

البته، من فقط ذکر کردم افرادی هستند که تعجب می‌کنند: «آیا اگر این مسیر پیشرفت دنبال می‌شد، هنوز هواپیماها و قطارها وجود می‌داشت؟» مسیرهای مختلف توسعه علمی می‌تواند علم را به جایگاه‌های مختلف ببرند. بنابراین همگی در مورد آن فکر کنید: اگر انسان‌ها بتوانند پرواز کنند و شناور شوند، آیا هنوز هم نیازی به استفاده از هواپیماها و قطارها است؟ افراد دارای چنین توانایی‌هایی در چین، هند و ایالات متحده وجود دارند و شمار قابل توجهی از افرادی مانند آن در میان تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ وجود دارند. چگونه می‌توانند [این توانایی‌ها را بدست آورند]؟ وقتی تمام کانال‌های انرژی در بدن یک فرد باز می‌شود - زمانی که هیچ قسمتی مسدود نیست - فرد قادر خواهد بود پرواز کند. البته تحقیقات علمی امروز نمی‌تواند چگونگی آن را توضیح دهد. در حقیقت، هیچ کسی جرأت نمی‌کند در مورد آن تحقیق کند، از ترس اینکه توسط آن به اصطلاح «دانشمندان»، که اعتقادی به آن ندارند مورد تمسخر قرار بگیرد - و در نتیجه اعتبار خود را از دست بدهد. همان‌طور که می‌دانید، چندی پیش یک آمریکایی به سنگاپور آمد تا یک نمایش اجرا کند، و بسیاری از شما شاید پرواز او را دیده باشید. این پدیده واقعاً وجود دارد - انسان‌ها می‌توانند پرواز کنند. بنابراین همگی در مورد آن فکر کنید: در گذشته، مردم چینی در مورد فردی صحبت می‌کردند که قادر بود از هیچ‌جا بیاید و بدون هیچ اثری ناپدید شود. بسیاری از استادان چی‌گونگ می‌توانستند از این مکان به مکانی دیگر سفر کنند - فاصله یک هزار مایل - فقط در عرض چند ثانیه. چرا آنها می‌توانستند این کار را انجام دهند؟ البته، بسیاری از چیزهای ناشناخته وجود دارد که باید با جزئیات زیاد توضیح داده شوند، اما من امروز قصد ندارم به جزئیات بپردازم. من صرفاً به این نکته اشاره می‌کنم که شکل‌های مختلف توسعه علمی منجر به نتایج متفاوت می‌شود. به‌عنوان مثال، با یک هواپیما، ممکن است بتوانید در عرض سه ساعت از هنگ‌کنگ به سنگاپور پرواز کنید، اما آن فرد می‌تواند به‌محض نشستن پرواز کند و شاید بتواند در عرض کمی بیش از ده دقیقه به آنجا پرواز کند. بنابراین او نیازی به ساخت یک چنین دستگاه دست‌وپاگیری ندارد. وقتی نوبت به این چیزها می‌رسد، آنها واقعاً افسانه‌های پریان نیستند، و بسیاری از چیزهایی که مردم هنوز نمی‌توانند توضیح دهند، به تدریج توسط علم تأیید شده است. حتی اگر شما قادر می‌بودید به آن حالت برسید، نمی‌توانستید مسیر نوع دیگر علم را در قالب علم امروز درک کنید.

البته، با توجه به شرایط مدرن بگوییم، چی‌گونگ یک روش علمی است. علاوه بر این، یک علم قدیمی‌تر و در سطحی بالاتر است. بسیاری از دانشمندان شجاعت داشته‌اند که قدم پیش گذاشته و علم بدن انسان و علم باستان را تصدیق کنند، زیرا آنها دیده‌اند که پدیده‌های چی‌گونگ واقعاً وجود دارند.

البته، افرادی هستند که از تأیید چی‌گونگ اجتناب می‌کنند. می‌توانم به همه شما افراد حاضر در اینجا، کسانی که تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ هستید، بگویم، وقتی به دیگران بگویید که بیایند تا فالون‌گونگ را یاد بگیرند بعضی از آنها ممکن است آن را باور نکنند و حتی با آن مخالفت کنند. همه این‌ها عادی است. چرا؟ زیرا جامعه بشری صرفاً در این شرایط تقابل دوگانگی‌ها وجود دارد. اگر همه به چی‌گونگ اعتقاد داشتند، اگر همه به فای بودا باور داشتند، و اگر همه می‌توانستند تزکیه کنند، جامعه انسانی از هستی بازمی‌ایستاد، و هرکسی به خدایان و موجودات آسمانی تبدیل می‌شد. دقیقاً به این دلیل که افرادی وجود دارند که علیه آن هستند و کسانی که موافق آن هستند، کسانی که به آن اعتقاد دارند و کسانی که اعتقاد ندارند، این جامعه تقابل و تضاد و ایجاد متقابل و بازداری متقابل می‌تواند شکل بگیرد. تمام حرفه‌ها و مشاغل، از جمله همه چیز در جامعه عادی انسانی، هر دوی عناصر مثبت و منفی را دارند که به‌طور همزمان وجود دارند. وقتی می‌خواهید کاری خوب انجام دهید، چیزی بد مطمئناً در انتظار شماست، و قبل از اینکه بتوانید آن کار خوب را انجام دهید مجبورید از چالش‌هایی عبور کنید. و البته، انجام کار بد هم آسان نیست، زیرا قوانین ملی و افراد خوب وجود دارند که برای مقابله [با بدی] خدمت می‌کنند. بنابراین این روش طبیعی وجود چیزها است. به همین دلیل است که در این جهان دو ماده متضاد با طبیعت متفاوت وجود دارند، و گسترش آنها به پایین به تئوری تای‌جی - بین و یانگ - می‌رسد. همانطور که بیشتر به سمت پایین گسترش می‌یابد، اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل ظاهر می‌شود. این اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل در جامعه عادی انسانی برجسته‌تر شده است. به همین دلیل کسانی هستند که به علم باستان که اکنون درباره‌اش صحبت کردم باور ندارند و کسانی هستند که باور دارند. آن برای روش فای بودا که امروز منتقل می‌کنم نیز صدق می‌کند: افرادی هستند که از آن حمایت می‌کنند و افرادی که مخالف آن هستند، و این نیز طبیعی است. همه شما با آنچه که توصیف کرده‌ام برخورد می‌کنید، و فکر می‌کنم که جای نگرانی نیست.

هم‌اکنون پیش‌تر رفتیم و قبل از صحبت درباره تاریخچه فالون‌گونگ در این حوزه صحبت کردم. چی‌گونگ که مردم امروزه می‌شناسند نیز یک علم باستانی است. آن فالون‌گونگ را شامل می‌شود، که از فرهنگ پیش از تاریخ است. آن چیزی نیست که لی هنگ‌جی در لحظه‌ای ایجاد کرده و آن را به همه شما منتقل کرده باشد. آن باعث آسیب به مردم می‌شد. در حال حاضر بسیاری از استادان تقلبی چی‌گونگ هستند که مردم را فریب می‌دهند، و به دیگران و نیز به خودشان آسیب می‌رسانند. از آنجایی که به‌طور کلی وقتی گونگ ساطع می‌شود، در این بُعد حرکت نمی‌کند، چشم‌های معمولی یک انسان قادر به دیدن آن نیست، به همین دلیل بسیاری از استادان تقلبی چی‌گونگ وجود دارند که مردم را فریب می‌دهند. مانند این است که چشم ماهی‌ها با مرواریدها مخلوط شوند - واقعی و جعلی با یکدیگر درآمیخته می‌شوند. بسیاری از مردم بودند که از ابتدا به چی‌گونگ اعتقاد نداشتند، و اکنون حتی بیشتر با آن مخالفت می‌کنند. به‌ویژه، اخلاقیات مردم امروز فاسد شده است، و هر دو نسخه معتبر و جعلی از همه چیز وجود دارد - حتی کالاهای تجاری جعلی وجود دارد، چه برسد به چی‌گونگ. البته، چی‌گونگ چیزی نیست که یک شخص صرفاً بتواند برود و جعل کند و مردم را با آن فریب دهد - انجام آن به دیگران و خود شخص آسیب می‌رساند. به این دلیل که کلاهبرداران نمی‌دانند با تمرین کردن آن چه چیزی حاصل می‌شود. البته، اگر آنها نتوانند چیزی ایجاد کنند، پس مسئله‌ای نیست. اما اگر واقعاً چیزی تولید کنند، می‌تواند مردم را در موقعیتی خطرناک قرار دهد. این خطری است که تمرین‌های چی‌گونگ تقلبی با آن مردم را تهدید می‌کنند.

پس فالون‌گونگ چگونه پدید آمد؟ و آن چه زمانی بود؟ اگر کسی می‌خواست آن را ردیابی کند، خوب، این امر به طریزی باورنکردنی طولانی می‌بود و مردم عادی وقتی آن را می‌شنیدند باور نمی‌کردند. بنابراین در مورد این چیزها در حال حاضر صحبت نمی‌کنم، لیکن شما به تدریج به درک آنها خواهید رسید. اما می‌توانم به شما بگویم که در یک دوره ماقبل تاریخ برای نوع بشر، فالون‌گونگ سابقاً به عنوان یک فای بودای عظیم به کار رفت که مردم جهان را نجات داد. بسیار شبیه به آن شیوه‌ای که شاکيامونی افراد را در دو هزار و پانصد سال پیش نجات داد، فالون‌گونگ یک بار نجات را به همه موجودات روی زمین

عرضه کرد. از زمانی که آن برای نوع بشر عمومی شد، یک دوره تاریخی بسیار طولانی گذشته است. در اصل تاریخ بسیار طولانی است، و این امر حتی باعث می‌شود مردم امروز به احتمال کمتری درباره آن بدانند. تاریخ فالون گونگ بسیار طولانی است و به تاریخی بسیار دور می‌رسد.

چرا امروز می‌توان آن را عمومی کرد؟ البته، فقط می‌توانم آن را در کم‌عمق‌ترین و ظاهری‌ترین سطح توضیح دهم. من وضعیتی را دیدم. چه وضعیتی؟ یعنی، در حالی که جامعه بشری، فراوانی چیزهای مادی و پیشرفت سریع علم را دیده، اخلاقیات انسانی به شدت سقوط کرده است. از آنجایی که امروزه همه مردم به علم اعتقاد دارند، فکر می‌کنند که علم مدرن حقیقت را در بردارد. اما چیزی هست که مردم درک نکرده‌اند، اینکه، علم مدرن کامل نیست. چیزهای بسیار زیادی وجود دارند که علم کشف نکرده است، و چیزهای زیادی وجود دارند که توسط علم [به اشتباه] رد شده است. و بسیاری از افراد با ذهنیت بسته وجود دارند که از این علم ناقص برای حمله به پدیده‌هایی استفاده می‌کنند که مردم به آنها اعتقاد دارند ولی نمی‌توانند آنها را با علم توضیح دهند. با این حال، این پدیده‌های غیرقابل توضیح قویاً و بطور ملموس در این بُعد مادی جامعه بشری ظاهر می‌شوند. علم مدرن جرأت تصدیق آنها را ندارد. از آنجایی که علم آنها را تصدیق نمی‌کند، بسیاری از مردم که به علم معتقدند، درک مشابهی دارند، به همین ترتیب آنها نیز مخالف آن هستند. اما این علم بسیار ناقص است. به عنوان مثال، برای هزاران سال مردم اعتقاد داشته‌اند که تقوا مهم است. امروزه بسیاری از مردم فکر می‌کنند که «تقوا» فقط داشتن یک آگاهی مهربان و لطیف در ذهن فرد و چیزی است که از فرد انتظار می‌رود از لحاظ معنوی به آن دست یابد- و آنها به فراتر از آن خیلی فکر نکرده‌اند. اما من به شما می‌گویم، هر چیزی در جهان از ماده تشکیل شده است، بنابراین اجازه می‌دهد تا آن نقشی در چیزها داشته باشد. تقوا وجود واقعی و مادی دارد و به شکل مواد ملموس و عینی تجلی می‌یابد. در گذشته، مردم در شرق، و به ویژه مردم قدیمی چین، ذخیره کردن تقوا را مهم در نظر می‌گرفتند. افراد جوان آن را درک نمی‌کنند. «چرا باید تقوا جمع کرد؟ شما چگونه تقوا جمع می‌کنید؟!» «چگونه می‌توانید چیزی را جمع کنید که شکل ندارد؟» در واقع می‌توانم به شما بگویم که آن شکل دارد، فقط چشم انسان نمی‌تواند آن را ببیند، زیرا در بُعد دیگری وجود دارد. و در تمام زمان‌ها آنجا است. هنگامی که کارهای خوب انجام می‌دهید، تقوا جمع می‌کنید. و زمانی که از سختی رنج می‌برید، تقوا جمع می‌کنید. آن زندگی پس از زندگی همراه شخص می‌رود و به میزان زیادی آینده‌اش را تعیین می‌کند. بعضی از افراد بخاطر آن، مقاماتی بسیار بلندمرتبه می‌شوند، بعضی به خاطر آن ثروت بدست می‌آورند و بعضی به خاطر آن در کسب و کارشان بسیار موفق هستند. تمام آن به خاطر ذخیره کردن تقوا در گذشته یا در زندگی‌های قبلی‌تان است، پس در زندگی فعلی خوشبخت هستید. چرا بسیاری از مردم کمتر از دیگران پول دارند؟ دقیقاً به این دلیل که آنها به اندازه دیگران تقوا ندارند، زیرا تقوای زیادی ذخیره نکرده‌اند. این دلیل آن است. بنابراین تقوا چیزی به شدت مهم است. هم‌اکنون درباره نقایص علم صحبت کردم. علم نمی‌تواند از این بُعد مادی که نژاد بشری در آن ساکن است خارج شود، و نمی‌تواند بُعدهای دیگر را کشف کند. اما بسیاری از دانشمندان برجسته و استثنایی وجود دارند که وجود زمان‌مکان‌های دیگر را متوجه شده‌اند. اگرچه هنوز نمی‌توانند این پیشرفت را به وجود آورند، آنها یک توضیح نظری غیردقیق از زمان‌مکان‌های دیگر دارند و آن سؤالات را پرسیده‌اند- و معتقدند که زمان‌مکان‌های دیگر وجود دارد. آنوقت آیا در این زمان‌مکان‌ها زندگی وجود دارد؟ آن موجودات به چه شکل هستند؟ شکل‌های هستی آنها چگونه است؟ تفاوت‌های بین زمان آنها و زمان در بُعد ما چیست؟ درباره مفاهیم در آن بعدها، نحوه‌ای که موجودات نگاه می‌کنند، و شکل‌هایی که ماده آنجا به خود می‌گیرد چطور- آنها شبیه چه هستند؟ همه اینها برای علم انسان امروزی ناشناخته است. علم مدرن وجود بعدهای دیگر را تصدیق نمی‌کند و همچنین وجود تقوا را تأیید نمی‌کند. پس در مورد آن فکر کنید: زمانی که انسان قویاً به علم معتقد شود، وجود چیزی را که علم آن را انکار کند، باور نخواهند داشت. بنابراین، آیا علم عامل اصلی انحطاط عظیم در اخلاقیات انسانی نیست؟ دلیل آن این است که وقتی برای مردم نامی از تقوا بیاورید که باید تقوا جمع کنید و به آن ارزش گذارید، بسیاری از مردم با ذهنیت مدرن می‌گویند: «شما خرافات بی‌معنی می‌گویید. آن تماماً خرافات است. ما به علم اعتقاد داریم، نه به آن چیزهای خرافی.» همگی ببینید، این علم به عنوان یک چماق مورد استفاده قرار گرفته است که بر سر ضروری‌ترین بخش از وجود انسان بکوبد. بنابراین آیا می‌توانید بگویید که علم بی‌عیب است؟ همانطور که اشاره کردم، زندگی مادی انسان در حال حاضر بسیار غنی است. پس چرا اخلاقیات

در حال سقوط است؟ دقیقاً به این دلیل که علم امروز قادر به اثبات وجود بعدهای دیگر و موجودات بالاتر نیست، قادر نیست اثبات کند که انسان‌ها باز پیدا می‌شوند و با مجازات روبرو می‌شوند، و قادر به اثبات وجود تقوا نیستند. به همین دلیل است که مردم جرأت انجام کارهای بد را دارند. بسیاری از مردم امروز بر این باورند: «تمام اینها خرافات و غیرعلمی هستند.» مردم به وجود خدایان اعتقاد ندارند، و به این ترتیب جرأت می‌کنند کارهای بد انجام دهند. آنها به مجازات اعتقاد ندارند، و بنابراین آنها فکر می‌کنند که همه اینها خرافات هستند. این بزرگترین مشکلی است که از کاستی‌های علم مدرن ناشی شده است.

از آنجایی که من در مورد هرآنچه که به ذهنم می‌آید صحبت می‌کنم، وقتی که به موضوع مبداء فالون گونگ رسیدم، خواستم که این موضوع را به دقت شرح دهم.

چیزهای بسیار زیادی در جامعه تزکیه‌کنندگان وجود دارند که در جامعه عادی بشری قابل ذکر نیست. اما در جامعه عادی انسانی، افراد زیادی هستند که چیزهای خاصی را دیده یا شنیده‌اند؛ گاهی اوقات ممکن است چیزی غیرقابل توضیح را ببینند یا حس کنند، یا ممکن است با چیزی غیرمعمول روبرو شوند. با این حال هیچ کسی تا به حال تلاش نکرده است که این چیزها را تأیید و آنها را به‌طور نظام‌مند مطالعه کند.

کمی پیش، یک مرید اینجا روی سن ایستاده بود که می‌گفت این فایده بسیار ارزشمند است. در اینجا این اندازه به شما گفته‌ام، پس کسانی که جوآن فالون را نخوانده‌اند ممکن است بخواهند آن را بخوانند، و شما ممکن است به درک [آنچه در حال گفتن آن هستم] برسید. جوآن فالون شامل اصول فاست، و البته، فایده تزکیه‌کنندگان منتقل می‌شود. بسیاری از مردم احساس می‌کنند که تزکیه کردن سخت است. در واقع، خود تزکیه سخت نیست؛ رها کردن تفکر عادی بشری و وابستگی‌ها، سخت‌ترین چیز است. تفکر انسان عادی چیست؟ به‌عنوان مثال، اولین چیزی که یک تزکیه‌کننده باید قادر باشد انجام دهد این است که وقتی ضربه می‌خورید تلافی نکنید و زمانی که ناسزا می‌شنوید به آن پاسخ ندهید. افراد عادی نمی‌توانند این کار را انجام دهند، زیرا آنها مردم عادی هستند. با این حال یک تزکیه‌کننده باید بتواند. علاوه بر این، یک تزکیه‌کننده باید قادر به انجام این موارد باشد؛ وقتی دیگران به شما تحکم می‌کنند، هیچ شکایتی ندارید و هیچ دلخوری را نگه نمی‌دارید، و آن را سبک می‌گیرید و حتی به آن می‌خندید و فراموش می‌کنید؛ یا حتی زمانی که کسی شما را می‌زند، در سکوت از آن شخص تشکر می‌کنید. افراد عادی فکر می‌کنند این واقعاً غیرممکن است. «چطور کسی می‌تواند این چنین باشد؟ او باید یک آدم ترسو باشد.» اما در واقعیت، هنگامی که کسی به شما زور می‌گوید، او در حال دادن تقوا- تقوای واقعی و محسوس- به شما است. در این جهان، مواد عظیم زیادی وجود دارند که انسان‌ها با چشم غیرمسلح نمی‌توانند ببینند و علم امروز نیز نمی‌تواند آنها را کشف کند. این مواد ذره‌بینی‌تر و بیشتر دارای هوش و زندگی هستند و همه موجودات پایین‌تر از خودشان را کنترل می‌کنند و در عین حال همه چیز را در این جهان متعادل می‌کنند. علاوه بر این، این جهان یک اصل دارد، که نامیده می‌شود: بدون از دست دادن چیزی بدست نمی‌آید، و برای بدست آوردن فرد باید از دست بدهد. وقتی کسی بخواهد چیزی را به دست بیاورد، یک مبادله رخ می‌دهد که «به دست آوردن و از دست دادن» نامیده می‌شود. چگونه یک نفر از دست می‌دهد؟ در این بُعد، مردم عادی نمی‌توانند آن را ببینند، هرچند بعضی اوقات می‌توانند آن را حس کنند. به طور کلی، مردم پس از اینکه به شکل تلاش‌های سخت، از دست دادند، آنچه که می‌خواهند را به دست می‌آورند. در مورد آنهایی که نمی‌خواهند خودشان از دست بدهند و به اجبار آنچه را که می‌خواهند طلب می‌کنند، خدایان بطور مشابه آنها را وادار به از دست دادن می‌کنند. به عنوان مثال، فرض کنید کسی چیزی را از دیگران می‌گیرد یا شخصی به دیگری آسیب می‌زند. این در مورد شخصی است که می‌خواهد به زور چیزی ملموس یا چیزی به شکلی دیگر را به دست آورد، و به جبران کردن برای طرفی که آسیب رسانده است فکر نمی‌کند. به هر حال، این جهان طرفی که بدست آورده را مجبور می‌کند که جبران کند؛ آن طرف مجبور خواهد شد که از دست بدهد حتی اگر شخص نخواهد از دست بدهد. از دست دادن به چه معنی است؟ در این سمت شما به کسی آسیب زده‌اید، از دیگران سوءاستفاده کرده‌اید، یا چیزهایی را گرفته‌اید که برای شما نبودند. بنابراین، هرچقدر که بیشتر به دست آورده‌اید، همان مقدار تقوا از میدان بُعدی بدن شما در بُعدی دیگر به سوی طرف دیگر پرواز خواهد کرد، و تقوا می‌تواند با منافع مادی یا پول مبادله شود. به عبارت دیگر، وقتی یک نفر مجبور به از دست دادن چیزی شود، طرف دیگر آن را جبران خواهد کرد. افراد عادی نمی‌توانند این را ببینند، به همین دلیل آنها جرأت انجام

کارهای بد را دارند. بسیاری از افراد در انجام کسب و کار توسط دیگران فریب می‌خورند یا مجبور به شکست می‌شوند، اما اگر این مسئله در نتیجه این نباشد که به خاطر انجام کارهای بد تقوا از دست دادند، پس در طول یک دوره زمانی همان مقدار را به‌عنوان پاداش کسب خواهد کرد. و این جبرانی است که افرادی که باعث ضرر دیگران شده‌اند، مجبورند بپردازند، اما مردم معمولاً آن را رویدادی تصادفی یا نتیجه تلاش‌های خود در نظر می‌گیرند. انسانها نمی‌توانند دلایل واقعی را ببینند. در اینجا به شما می‌گویم که تقوا بسیار ارزشمند است، و می‌تواند به هر چیزی تبدیل شود. مردم مدرن به این چیزها اعتقاد ندارند، زیرا علم قادر به دیدن آنها نیست، و این یکی از دلایل نزول شدید استانداردهای اخلاقی انسان است. اما مواد بزرگ و عظیم و موجودات بالاتری در این جهان هستند که در واقع همه چیز را در جهان متعادل می‌کنند. وقتی چیزی که نباید از دست بدهید را از دست می‌دهید، شما پاداش یا جبران دریافت خواهید کرد. یک شخص از دست خواهد داد حتی با اینکه نمی‌خواهد از دست بدهد، زیرا آنچه در سمت دیگر وجود دارد در کار است، و آنچه که من در مورد آن پیش‌تر صحبت کردم، یک نمونه ساده از آن بود. در واقع قربانی حتی بیشتر به دست خواهد آورد. به همین دلیل است که گاهی اوقات می‌گویم لزوماً بد نیست که کمی سختی را تجربه کنید. در گذشته، افراد سالخورده و مخصوصاً تمام مردم قدیمی چین می‌گفتند: «اکنون شما در حال تجربه کمی سختی هستید، و این در آینده پیش رو برایتان خوب است.» و در واقع اینگونه است. عیسی گفت هنگامی که کسی به گونه چپ شما سیلی می‌زند، باید گونه راست‌تان را به او تقدیم کنید. برخی افراد نمی‌توانند آن را درک کنند. در واقع، در حال حاضر بسیاری از کاتولیک‌ها و افراد مسیحی که به عیسی ایمان دارند نمی‌توانند آن را درک کنند. منطق پشت آن چیست؟ عیسی در مورد آن صرفاً بطور سطحی صحبت کرد و معانی عمیق‌تر آن را توضیح نداد. مفهوم آنچه که او گفت این بود، هنگامی که کسی در این سمت به شما سیلی می‌زند، به شما تقوا می‌دهد و به شما کمک می‌کند تا کارمای حاصل از کارهای بد را پاک کنید. پس چون آن شخص مهاجم هنوز کاملاً آرام نشده است، اگر گونه دیگران را به او پیشنهاد کنید و اجازه بدهید که به آن سیلی بزند، آیا او در حال کمک به شما نیست تا کارما را از بین ببرد و در حال دادن تقوا به شما نیست؟ هنگامی که شما رنج می‌برید، کارما در بدن‌تان از بین می‌رود. تمام انسانها کارما ایجاد می‌کنند. برخی از افراد زندگی‌هایی را گرفته‌اند، به دیگران صدمه زده‌اند، به دیگران اهانت کرده‌اند، از کسی نفرت داشته‌اند، کار بدی انجام داده‌اند، و غیره - همه اینها به کارما می‌انجامد. این ماده سیاه است، و در اطراف بدن انسان وجود دارد. این تعیین می‌کند که یک فرد چه وقت رنج می‌برد و بیمار می‌شود، یا با دردسر مواجه می‌شود، یا در کسب و کار شکست می‌خورد، یا در معرض حمله یا توهین دیگران قرار می‌گیرد، یا خیلی دیگر از انواع رنج و سختی. همه اینها توسط کارما ایجاد می‌شود. وقتی کسی به شما حمله می‌کند یا از شما سوءاستفاده می‌کند، نه تنها توسط آن شخص مهاجم به شما تقوا داده می‌شود، بلکه علاوه بر آن، در حالی که از درد رنج می‌برید، کارمای سیاه خود را به تقوا تبدیل می‌کنید. بنابراین با یک عمل، دو دستاورد دارید. در مورد یک فرد عادی، او می‌تواند دو دستاورد داشته باشد. اما درخصوص یک تزکیه‌کننده، این یک آزمون است که باید آن را بگذرانند. اگر آن امتحان سخت و دردناک را به‌خوبی بگذرانند، شین‌شینگ او بهبود خواهد یافت. و بهبود شین‌شینگ او به معنی بالا رفتن سطح او است، بنابراین گونگ او افزایش خواهد یافت و تقوای او به گونگ تبدیل خواهد شد. من این اصل را بطور کامل توضیح داده‌ام، اما در تزکیه‌تان، این به شما بستگی دارد که در آن موفق شوید.

در حقیقت، من نه تنها فا را انتقال داده‌ام، بلکه همچنین کاری را انجام داده‌ام که هیچ شخص دیگری تا به حال آن را انجام نداده است. من در واقع به انسان‌ها نردبانی به آسمان داده‌ام. تا زمانی که شما با این قانون بزرگ تزکیه کنید، قطعاً به کمال دست می‌یابید. هیچ کسی در گذشته این فا را آموزش نداده بود، چه برسد به اینکه در میان انسان‌ها این کار را انجام داده باشد. اگر آن را باور نمی‌کنید، می‌توانید تمام متون خارج از اینجا، از زمان باستان تا حال حاضر، در چین و یا خارج از کشور را بررسی کنید. چه *داؤدجینگ* باشد، انجیل مقدس، سوترهای بودایی - هیچکدام از آنها فا را به این روش آموزش نداده‌اند که همه اسرار آسمان را آشکار کند.

شاکيامونی یک بودا است، و مردم بر این باورند که آنچه بودا شاکيامونی به‌جای گذاشت قانون بودا است. با این حال، بودا شاکيامونی خودش گفت: «در طول زندگی‌ام هیچ قانونی به‌جای نگذاشتم.» مردم معنای آنچه که او گفت را نفهمیدند،

بنابراین بودیسم ذن ادعا کرد که قانونی وجود ندارد. [ذن آموزش داد] اگر حتی بودا شاکيامونی هیچ قانونی را به جای نگذاشت، پس هر چیزی که توسط کسی - هر کسی که باشد - گفته شود قانون بودا نیست؛ صحبت در مورد آن ممنوع است، و هر چیزی که بیان شده قانون بودا نیست. این یک درک کاملاً اشتباه بود. پس معنی آنچه بودا شاکيامونی در آن زمان گفت چه بود؟ بودا شاکيامونی موجودی خدایی است، و در جامعه انسانی برای نجات مردم بازپیدا شده بود. وقتی نزدیک بود به کمال برسد تبدیل به یک بودا شد، بنابراین کلماتش سرشت بودایی با خود داشتند. اگر چه چیزی که آموزش داده بود، آن قانون بودا نبود که به طور نظام مند تزکیه را هدایت کند، اما کلمات با سرشت بودایی، همانند اصول قانون در آن سطح هستند. اما آن قانون بنیادین جهان نظام دار نبود. همچنین، متونی که توسط نسل‌های بعدی گردآوری شدند در واقع تکه تکه و بدون نظم بودند. این حقیقت آن است. بیش از دوهزار و پانصد سال پیش، شاکيامونی سخنانش را برای هدایت مردم آن زمان ارائه داد، و بودا شاکيامونی دید که مردم امروز به چه شکلی خواهند بود. از این رو بودا شاکيامونی آن موقع گفت که قانون او در دوره پایان دارما مؤثر نخواهد بود. در واقع، مردم امروز دیگر نمی‌توانند آنچه را که بودا شاکيامونی گفت، درک کنند.

همین امر برای کتاب مقدس در ادیان غربی نیز اتفاق افتاده است: مردم دیگر نمی‌توانند واقعاً آن را درک کنند، زیرا ذهن مردم مدرن بسیار پیچیده شده است. مردم آن را به هر روشی درک می‌کنند - همه بر اساس احساسات و منافع شخصی که در مقابل آنها قرار گرفته هم‌بمنظور عمل می‌کنند - و به همین دلیل مردم امروز معانی واقعی درونی را درک نمی‌کنند.

به همه می‌گویم که کتاب *جوآن فالون* واقعاً ارزشمند است. هیچ کتاب دیگری در میان انسان‌ها قابل مقایسه با آن نیست. آن به این دلیل است که این کتاب تزکیه است، یک قانون بزرگ بسیار جدی است که می‌تواند مردم را به سمت کمال هدایت کند. حالا بعضی از مردم می‌گویند هنگامی که *جوآن فالون* را برمی‌دارید و آن را می‌خوانید، هر کلمه در آن با نور طلایی می‌درخشد. فکر می‌کنم اگر بتوانید به طور مداوم به تزکیه ادامه دهید و تا رسیدن به کمال کوشا باشید، پس در مسیر تلاش سخت، همانطور که تزکیه می‌کنید، می‌توانید چیزهای بسیاری را ببینید و بسیاری از احساس‌ها و صحنه‌هایی که مردم عادی نمی‌توانند ببینند یا تجربه کنند را دیده و تجربه کنید. در آن مرحله متوجه می‌شوید این کتاب واقعاً درباره چیست. بدون توجه به اینکه اینجا درباره آن چطور صحبت می‌کنم، آن هنوز فقط من هستم که صحبت می‌کنم. اگر بیشتر درباره این صحبت کنم، کم‌کم به نظر غیرقابل باور خواهد آمد. بنابراین فکر می‌کنم بهتر است خودتان به بینش‌های خود برسید و خودتان آن را تأیید کنید. من صرفاً می‌خواهم به شما بگویم که این فا بسیار ارزشمند است.

وقتی که شروع به انتقال این فا کردم، بسیاری از موجودات سطح بالا و موجودات روشن بین بزرگ سعی کردند مانع من برای انجام این کار شوند و گفتند: «اخلاقیات انسانی به چنین مرحله‌ای رسیده است، با این حال هنوز هم می‌خواهید چیزی به این خوبی را عمومی کنید. شما در طول بهترین دوره بشریت آن را آشکار نکردید و حالا آن را عمومی کرده و منتقل می‌کنید.» خدایان همه به این شیوه در حال فکر کردن بودند.

اما این را در نظر بگیرید. من فقط درباره کارما و تقوا صحبت کردم. همانطور که انسان‌ها بازپیدا می‌شوند کارما و تقوا با آنها همراه می‌شوند. یک انسان نمی‌تواند به جز این چیزهایی که از طریق چرخه بازپیدایی به همراه خود می‌آورد، چیز دیگری را از زندگی همراه داشته باشد. با صحبت در مورد بازپیدایی، می‌خواهم به شما بگویم که ادیان در مورد رفتن انسان به بُعد دیگر پس از مرگ صحبت می‌کنند؛ به ویژه در ادیان شرق، آنها در مورد شش مسیر بازپیدایی صحبت می‌کنند. انسان‌ها حقیقتاً می‌توانند دوباره به دنیا آورده شوند. این درست است. در جامعه تزکیه‌کنندگان در این باره شک و تردیدی وجود ندارد، و همه مفهوم آن را به وضوح درک می‌کنند. چرا بازپیدایی وجود دارد؟ افرادی هستند که می‌گویند: «وقتی مردم می‌میرند، تمام است، اینطور نیست؟» آنچه می‌میرد آن بخشی است که از خوردن غذای انسانی بعد از تولد رشد می‌کند؛ حیات بشری خودش نمرده است.

برای ارائه آن به گونه‌ای که مردم مدرن بتوانند درک کنند، به این شکل درباره آن بیندیشید. بدن انسان از مواد لایه سطحی ساخته شده که متشکل از ذرات مولکولی است. این مقدار برای همه آشناست. هوا در اطراف سیاره زمین، چوب و

سیمان، آهن و فولاد در ساختمان‌ها، تماماً مواد سطحی هستند که از ذرات مولکولی مختلف تشکیل شده‌اند. سپس مولکول‌ها از اتم‌ها ساخته می‌شوند، و اتم‌ها از نوترون‌ها، الکترون‌ها و هسته اتم ساخته می‌شوند؛ و از هسته به سمت پایین برویم، کوارک‌ها هسته‌های اتم را تشکیل می‌دهند و هسته‌های اتم از نوترینوها تشکیل می‌شوند. اگر سعی کنید پایین‌تر از آن را کشف کنید، انسان‌ها نمی‌دانند چه چیزی آنجا است. وقتی انسان‌ها می‌میرند، فقط پوسته بشری در بعد سطحی ماده که از ذرات مولکولی تشکیل شده است ریخته می‌شود؛ آن مثل این است که لباس‌های شخص درآورده شود. و حداقل قسمت‌هایی از بدن که از اتم‌ها، هسته‌های اتم، و مواد کوچکتر از کوارک‌ها ساخته شده‌اند نمرده‌اند. آنها اصلاً نمی‌توانند همراه با بدن ظاهری بمیرند. در مورد آن فکر کنید: هنگامی که یک هسته شکافته می‌شود، یک انفجار اتمی حاصل می‌شود. وقتی یک انسان می‌میرد، آیا می‌تواند نیرویی قوی برای شکافت هسته‌ای وجود داشته باشد؟ وقتی علم امروز قصد داشته باشد هسته را تقسیم کند، برای پیشبرد تغییرات، نیازمند حرارت زیاد و تصادمی قوی است. چگونه بدن یک انسان معمولی می‌تواند انرژی قوی کافی برای ایجاد این شکافت را فراهم آورد؟ دمای کوره سوزاندن اجساد قطعاً به اندازه کافی زیاد نیست که باعث شکافت هسته‌ای شود. به عبارت دیگر، آن مواد میکروسکوپی‌تر که بدن انسان را تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند توسط آتش در کوره سوزاندن اجساد نابود شوند. اگر واقعاً می‌توانست هسته‌ها در بدن تان را نابود کند، یک انفجار هسته‌ای ایجاد می‌شد. هنگامی که مواد هسته‌ای در بدن انسان منفجر شود، باعث ویرانی یک شهر بزرگ خواهد شد. این یک اتم است و انرژی آن بسیار زیاد است. پس چرا این هرگز اتفاق نیفتاده است؟ این به ما می‌گوید که عناصر اتمی در بدن انسان نابود نشده‌اند.

همانطور که می‌دانید، تا آنجا که به انسان مربوط می‌شود اتم‌ها و هسته‌های اتم به شدت رادیواکتیو هستند. به عبارت دیگر، آنها یک نوع از انرژی هستند. هر چند در واقع، مواد همچنان میکروسکوپی‌تر، مانند کوارک‌ها، دارای رادیواکتیو قویتری نسبت به هسته‌ها هستند و هیچ کسی نمی‌داند که تابش نوترینوها چند برابر قوی‌تر از کوارک‌ها است. هر چه ذره کوچکتر باشد، انرژی آن قوی‌تر است. می‌توانم به شما بگویم گونگی که پرورش می‌دهید شامل اتم‌های قوی، نوترون‌ها و حتی مواد میکروسکوپی‌تر است. چرا گونگی که توسعه می‌دهید می‌تواند بیماری‌های شما را بهبود بخشد؟ چرا آن بدن انسان را تغییر می‌دهد؟ چرا تزکیه‌کنندگان می‌توانند معجزات زیادی را به نمایش بگذارند؟ به این دلیل که گونگ و توانایی‌های فوق‌طبیعی از این مواد با انرژی بالا تشکیل شده‌اند. علاوه بر این، این مواد، که از طریق تزکیه تحت یک قانون راستین توسعه می‌یابند، زنده هستند و سرشت مهربان دارند و توسط آگاهی اصلی تزکیه‌کننده کنترل و توسط ذهن او هدایت می‌شوند. آنها برخلاف اثرات بد و مخرب ناشی از شکافت هسته‌ای هستند که با استفاده از ابزار علمی انجام می‌شود. نیرویی که از انفجار یک بمب اتمی با استفاده از ابزارهای علمی آزاد می‌شود، مخرب است. آن در جهت خاصی نمی‌رود، آن برای موجودات بشری و سایر موجودات زنده مضر و برای محیط زندگی انسان مخرب است. در مقابل، انرژی ساطع شده از تزکیه‌کنندگان هوش دارد و می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد. محققان انجمن علوم چین یک بار آزمایشی بر روی من انجام دادند تا برآوردی ارائه دهند، و آنها توانستند آن ماده با انرژی که هنگام تدریس فاسطع می‌شود را شناسایی کنند. مؤسسه فیزیک انرژی بالا متعلق به آکادمی علوم چین، در تحقیقات فیزیک انرژی بالا تخصص دارد. آنها ابزاری را در چهار گوشه اتاق کنفرانس و همچنین در نقاط مختلف در وسط اتاق قرار دادند. یک ابزار نیز در میز پشت جایگاه آموزش فا قرار گرفت. در طول آزمایش، آنها دریافتند انرژی‌هایی که من منتشر می‌کنم شامل نوترون‌های قوی و همچنین اتم‌ها است. البته آنها تا آن اندازه می‌توانستند در آزمایشات خود پیش روند، چراکه ابزارهایی برای مواد میکروسکوپی‌تر نداشتند. چیزی که آنها را شگفت‌زده کرد این بود که میدان‌های انرژی که توسط من پخش می‌شدند به‌طور مساوی توزیع می‌شد و انرژی می‌توانست هدایت شود. در تحقیقات علمی امروز، این شناخته شده است که وقتی ماده هسته‌ای ساطع می‌شود، مسیر خاصی ندارد و هیچکس نمی‌داند آن به کجا می‌رود. همچنین، آن نزدیک‌تر [به نقطه انفجار] قوی‌تر می‌شود و زمانی که دورتر بشوید ضعیف‌تر می‌شود. تشعشع به همه چیز در محدوده خود آسیب می‌زند. واضح است که علم مدرن کامل نیست، و اعتقاد کورکورانه به آن شدیداً به انسانیت آسیب می‌زند.

هم‌اکنون توضیح دادم که زندگی انسان همراه با بدن فیزیکی نمی‌میرد، بنابراین وقتی بدن بشری در این بعد می‌میرد روح انسان آزاد خواهد شد. آن از ابتدا در یک بُعد متفاوت بود، و صرفاً در زمان تولد با بدن انسان در این بُعد ادغام شد. هنگامی

که بدن در این بعد می‌میرد، روح آزاد می‌شود. به این ترتیب، چرخه تولد دوباره نیز که مذاهب از آن سخن گفته‌اند واقعی است. یک زندگی می‌تواند در چرخه تولد دوباره، احیا شود. یک فرد می‌تواند به صورت مکرر به‌عنوان یک انسان تجدید حیات کند، یا به‌عنوان یک شیء، یک حیوان، یا حتی به‌عنوان یک موجود بالاتر یا چیزی دیگر بازپیدا شود.

بودیسم در مورد باز شدن پنج قدرت از جمله بینایی آسمانی، بینایی عقلانی، بینایی فا و بینایی بودا صحبت می‌کند. هنگامی که بینایی فا باز شود، جهان در پیش چشمان تان مانند [آنچه اینجا هست] نخواهد بود. پس چگونه خواهد بود؟ متوجه خواهید شد که چشمان تان می‌تواند، درون سطح تان، از میان هر شیء ببیند و حتی مواد میکروسکوپی‌تر را مشاهده کند. و خواهید دید که تمام اشیاء زنده هستند. وقتی این اشیاء می‌فهمند که شما می‌توانید آنها را ببینید، آنها با استفاده از زبان [و کلمات] و [بصورت] تفکر با شما ارتباط برقرار می‌کنند. بعضی از مردم عادی ممکن است احساس کنند که باور کردن این خیلی سخت است و شبیه داستان و افسانه است. البته، اینها مسائل مربوط به تزکیه هستند، و به مریدان فالون دافا آموزش داده می‌شوند. شما همه تزکیه‌کننده هستید، و من در حال صحبت با مردم عادی نیستم؛ من نمی‌توانستم به راحتی این چیزها را به مردم عادی بگویم. بسیاری از مردم عادی آنها را باور نمی‌کنند.

بنابراین، از این پس درخواهید یافت که یک شیء ممکن است قبلاً موجود بشری بوده باشد؛ آن فرد مرده بود و به‌عنوان یک شیء بازپیدا شد. در این مرحله می‌خواهم چیزی بگویم. یک موجود انسانی در حالی که مجدداً بازپیدا می‌شود کارما و تقوا را به همراه خود حمل می‌کند. همانطور که اخلاقیات مردم امروزه نزول می‌یابد، مردم دارای تقوای کمتر و کمتر و مقادیر بیشتری کارما هستند. به خاطر این که موجودات در شکل‌های یکدیگر بازپیدا می‌شوند، زمانی که حالا نظری می‌اندازید، متوجه خواهید شد که نه تنها انسانها بلکه اشیاء نیز دارای کارمای سیاه هستند. یک موجود این کارما را به هنگام تجدید حیات در چرخه تولد دوباره، حمل می‌کند، بنابراین هر جسمی ممکن است کارما داشته باشد، که می‌تواند باعث شود کسی بیمار شود. در بُعد انسانی کارما به شکل ویروس‌های ریز ظاهر می‌شود. امروزه کارما آنقدر زیاد است که هر چیزی ممکن است آن را حمل کند. همانطور که می‌دانید، در گذشته اگر یک کشاورز چینی هنگام کار کردن بر روی زمین دستش را می‌برید، مقداری خاک برمی‌داشت و بر روی زخم می‌گذاشت، و توجه بیشتری به آن نمی‌کرد. و زخم سریعاً بهبود می‌یافت. اما امروز شما بهتر است [زمانی که زخمی شده‌اید] حتی خاک را لمس نکنید. یک فرد عادی ممکن است حتی با کوچکترین تماس دچار عفونت شود، زخم تشدید شود، و حتی ممکن است از کزاز بمیرد. چرا اینگونه است؟ این نشان می‌دهد که امروزه خاک سرشار از کارما شده است. بنابراین، وقتی یک فرد از بُعدی بالاتر به زمین نگاه کند، کارما در همه جا دیده می‌شود- آن بر روی هم موج می‌زند. از آنجا که چشم انسان نمی‌تواند آن را ببیند مردم فکر می‌کنند که همه چیز خوب است.

همه در مورد آنفلوآنزا می‌دانند، درست است؟ اساساً، آنفلوآنزا هنگامی شیوع پیدا می‌کند که خوشه‌ای از کارما با چگالی بالا در یک منطقه در تلاطم است. سرطان، ایدز و مشابه آنها، بیماری‌های بدخیم کارمایی هستند که اهداف خاصی دارند- برای مثال، ایدز رفتار همجنس‌گرایی و بی‌بندوباری جنسی را هدف قرار می‌دهد- و آنها کارمایی با چگالی حتی بالاتری دارند. به طور کلی بگویم، در مکان‌هایی با کارمای بیشتر، افراد بیمار خواهند شد. بیماری‌های همه‌گیر در هر ناحیه‌ای که دارای کارما با چگالی بالا هستند شیوع پیدا می‌کنند، و آن محل به علت حجم زیاد کارما که توسط موجودات بشری ایجاد می‌شود، متأثر می‌شود.

چرا در این مورد صحبت می‌کنم؟ من دیده‌ام که اخلاقیات بشری به شدت نزول یافته است و اگر این ادامه یابد، انسان‌ها با خطر بزرگتری مواجه خواهند شد. اگر خدایان در آسمان‌ها انسان را به‌عنوان انسان در نظر بگیرند، آنگاه خطر واقعی، قریب‌الوقوع است. انسان‌ها مانند انسان‌ها عمل می‌کنند- داشتن یک شکل انسانی ضرورتاً یک موجود بشری را نمی‌سازد. گذشته از این، میمون‌ها شکل‌هایی شبیه به انسان‌ها دارند. اگر انسان‌ها هنجارها و استانداردهای اخلاقی انسانی را نداشته باشند، خدایان آنها را انسان نمی‌نامند و در این صورت انسان‌ها در معرض خطری جدی هستند. این به آن دلیل است که انسان‌ها توسط خدایان خلق شده و کنترل می‌شوند. فرهنگ‌های درست و صحیح نوع بشر زمانی پدیدار شد که خدایان آنطور خواسته

بودند. وقتی انسان‌ها از هنجارهای انسانی جدا می‌شوند، خدایان آنها را از بین می‌برند. من متوجه شده‌ام همانطور که موجودات انسانی همراه با جریان امور رانده می‌شوند، نادانسته همه چیز را بدتر می‌کنند، خود را بدتر می‌کنند و باعث می‌شوند جامعه رو به زوال برود. و مهمتر از همه، آنها اخلاقیات انسانی را لکه‌دار کرده‌اند. آشکارترین تجلی اکنون این است که فرهنگ به چه نحو، شیطانی شده است، منجر به این شده که سرشت انسانی شرور شود. در نتیجه، جرایم سازمان‌یافته، مصرف مواد مخدر، قاچاق مواد مخدر، فحشا و همجنس‌گرایی در جامعه پدیدار شده است. مردم در حال غرق شدن در دریای دروغ و گناهان بی‌شماری هستند. حتی جنایتکارهای جانی در حال حاضر مورد تجلیل قرار می‌گیرند. بسیاری از چیزهای زیادی مانند این وجود دارند. همه در مورد آن فکر کنید: آیا این طبیعی است؟ مفاهیم انسانی چگونه تغییر کرده‌اند! و آن به این مسائل محدود نمی‌شود. سرشت اهریمنی نیرومند در حال حاضر در ذهن افراد در تمام بخش‌های مختلف جامعه وجود دارد. من این‌ها را با این هدف آموزش می‌دهم که موجودات بشری از این خطر‌رهایی یافته و بتوانند از طریق تزکیه نجات یابند. اگر شما واقعاً بتوانید تا انتها تزکیه کنید، من حقیقتاً می‌توانم رسیدن به کمال را برایتان امکان‌پذیر سازم.

هم‌اکنون فقط بعضی از پدیده‌ها در جامعه را ذکر کردم. در حال حاضر، اینطور نیست که بخواهم کاری برای جامعه انجام دهم؛ من آن فکر را نداشته‌ام. با این حال، این‌ها قادر است مردم را نجات دهد، آن به مردم می‌آموزد که خوب باشند، و آن واقعاً می‌تواند شین‌شینگ و سرشت بنیادین شما را تغییر دهد. بنابراین، اگر چه افراد زیادی وجود دارند که تزکیه نمی‌کنند، وقتی مردم از آموزش‌های این‌ها مطلع می‌شوند سعی خواهند کرد که افراد خوبی باشند. وقتی مردم متوجه می‌شوند که اگر بد شوند چه آسیبی را متحمل خواهند شد (تشویق)، سعی خواهند کرد که مردمی خوب باشند. این بدان معنی است که وقتی یک‌فای درست عمومی می‌شود، مطمئناً به جامعه سود خواهد رساند.

در طول سالها آموزش‌ها، بر اصل زیر اصرار داشته‌ام: من این کار را از روی حس مسئولیت نسبت به مردم و جامعه انجام می‌دهم. من هرگز چیزها را بی‌ملاحظه انجام نداده‌ام. همانطور که می‌دانید، مجبور شدم راه دوری به سنگاپور سفر کنم و فا را اشاعه دهم، اما یک ریبال از شما نمی‌خواهم. من به‌زودی می‌روم، و فقط این‌ها را برای‌تان می‌گذارم. بسیاری از شاگردان از من پرسیده‌اند: «معلم، در این جهان اصلی وجود دارد که نامیده می‌شود، "بدون از دست دادن، بدست آوردن نیست؛ برای به دست آوردن، فرد باید از دست بدهد؛ و در هر از دست دادن، فرد بدست می‌آورد." اما شما بدون خواستن هیچ چیزی ما را نجات می‌دهید، به ما چیزهای خوب بسیار زیادی می‌دهید این‌ها را به ما آموزش می‌دهید، وقتی تزکیه می‌کنیم از ما مراقبت می‌کنید، برای از بین بردن کارما به ما کمک می‌کنید، چیزهای بسیار زیادی در بدن‌مان نصب می‌کنید، مشکلات متعددی را برای ما در سطوح مختلف حل می‌کنید چراکه "تزکیه توسط شخص انجام می‌شود، گوئگ توسط استاد اداره می‌شود- پس شما چه چیزی می‌خواهید؟» گفتم که من هیچ چیزی نمی‌خواهم. من با شما تفاوت دارم، چراکه به‌طور خاص برای انجام این کار آمده‌ام. اگر می‌پرسید چه چیزی می‌خواهم، من فقط می‌خواهم آن قلب شما را ببینم- قلبی برای تزکیه و قلبی که برای خوبی مشتاق است. (تشویق)

من زمان زیادی را گرفته‌ام، اینطور نیست؟ (معلم می‌خندند) اگر هنوز زمان وجود دارد می‌توانم بیشتر صحبت کنم. روش‌های بسیار زیادی برای تزکیه به بودا شدن وجود دارد. همه می‌دانید فالون‌گونگی که در حال تمرین آن هستید، بر اصول بودیستی متکی است- صرفاً اینطور است که من زبانی را که شاکيامونی در گذشته برای آموزش آن استفاده کرد، به کار نمی‌برم، و نمی‌توانستم آن کار را انجام دهم، چون زبان امروز متفاوت است. به این ترتیب فقط می‌توانم از زبان بشری فعلی برای آموزش فا و تمرین‌مان استفاده کنم. فایی که من آموزش می‌دهم، متفاوت از قانون بودا است که روزگاری توسط شاکيامونی آموزش داده شد. چرا اینطور است؟ زیرا روش تزکیه‌ای که من به تزکیه‌کنندگان داده‌ام و چیزهایی که توسط تزکیه مورد هدف قرار داده می‌شوند، متعلق به گذشته نیستند. الزامات بالاتری برای شین‌شینگ و سطوح تزکیه‌کنندگان وجود دارد، و مقام ثمره آن بالاتر است، بدین علت که آنچه من آموزش می‌دهم، اساسی‌ترین قانون جهان است. کلماتی که بودا شاکيامونی در آن زمان مورد استفاده قرار داد سرشت بودایی داشتند، و می‌توان گفت که آنها قانون بودا در آن سطح هستند، اگر چه آنها قانون بنیادین یا بالاترین حقیقت که جهان را خلق کرد، نیستند. بالاترین حقیقت جهان، جن‌سن رن است. تمام مواد مانند فولاد، آهن، چوب،

سنگ، هوا، آب و خاک، و این شامل همه مواد میکروسکوپی می‌شود- از عناصر اصلی آنها گرفته تا مواد سطحی آنها- همه دارای ماهیت جن‌شن رن هستند. جن‌شن رن از میان تمام موجودات و تمام مواد موجود در کل جهان عبور می‌کند، و آن اساسی‌ترین سرشت جهان است. من حقیقت را به وضوح با استفاده از ساده‌ترین زبان عصر مدرن توضیح داده‌ام. دافا مثل یک هرم است، به سمت بالا ساده‌تر می‌شود و به سمت پایین فشرده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. از این‌رو انسان و سطوح پایین‌تر جهان پیچیده است. در بالاترین نقطه- نقطه اوج فای بودا- آن جن‌شن رن است، سه کلمه دربرگیرنده است. تمام بالاترین مواد و عناصر در جهان از جن‌شن رن تشکیل شده‌اند- روح جهان، سرشت جهان، جوهر حقیقی فای بودا. در گذشته این بزرگترین راز بود. حتی بسیاری از موجودات بالاتر آن را نمی‌دانستند. گرچه من، همانطور که دیده‌اید، بسیاری از اسرار آسمان را در کتابم افشاء کرده‌ام، اما آنها را به‌طور اتفاقی آشکار نکرده‌ام. اگر لی هنگجی بطور سرسری اسرار آسمانی را افشاء می‌کرد، و بدون هدف سخن می‌گفت، و بعد از آن همه خوشحال بودید و همه‌اش همین بود، یا فکر می‌کردید آن صرفاً برخی اطلاعاتی است که دریافت می‌کنید، آنوقت من درحال تضعیف اصول آسمان در اینجا می‌بودم. اگر مورد این می‌بود، لی هنگجی امروز قادر به ایستادن در اینجا نبود و مجازات می‌شد، و هیچ کسی نمی‌دانست که او کجاست. در حالی که فا را آموزش می‌دهم نسبت به همه مسئول هستم تا شما به سمت بالا تزکیه کنید. برای انجام آن در عمل، من به‌طور پیوسته نسبت به مردم مسئول هستم، و درواقع افراد بسیاری هستند که به‌خوبی تزکیه کرده‌اند. پس آن نشان می‌دهد آنچه من انجام می‌دهم بدون هدف نبوده و یا چیزی نیست که در یک لحظه و سرسری باشد. در حقیقت، این امر مدت‌ها پیش در تاریخ تدوین شد، و آماده‌سازی کامل آن در حال انجام بوده است. امروز شما می‌توانید اینجا بنشینید و به فا گوش کنید، و این مرهون رابطه کارمایی است، و فرصت شما رسیده است. صرف‌نظر از اینکه چند بار در دنیای انسانی باز پیدا شده‌اید، امروز فرصت شما رسیده است، و به همین دلیل است که می‌توانید فا را بدست آورید.

اگرچه بودا شاکيامونی ندید که این جهان واقعاً چه اندازه بزرگ است، و ندید چقدر میکروسکوپی می‌تواند باشد، اما آنچه که او مشاهده کرد، درواقع کاملاً میکروسکوپی بود. او متوجه شد که در یک دانه شن سه هزار دنیای بیکران وجود دارد. «سه هزار دنیای بیکران» به چه معنا است؟ به‌عنوان مثال، در راه شیری ما، بودا دید که سه هزار سیستم موجودات انسانی با [یک] آسمان و زمین وجود دارد، و درون سیستم‌های حیاتی که خدایان و بوداها وجود دارند، جوامعی مانند این که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، وجود دارند. در هر دنیای بیکران موجودات بی‌شماری وجود دارند، مانند سیستمی که درون آن موجودات الهی و موجودات بشری زمینی وجود دارند. بودا گفت که درون هر دانه شن همچنین سه هزار دنیای بیکران مانند این وجود دارند. پس در مورد آن فکر کنید: آنچه که شاکيامونی توصیف کرد بسیار میکروسکوپی و بسیار باشکوه است. این چیزی بیش از حد خیالی نیست. اجازه دهید آن را برایتان به تصویر بکشم. زمین دور خورشید می‌چرخد، و دانشمندان اکنون کشف کرده‌اند که الکترون‌ها به‌طور مشابه در اطراف هسته می‌چرخند. این چگونه با چرخش زمین در اطراف خورشید فرق دارد؟ آن یکسان است. هنگامی که یک الکترون به اندازه زمین ما بزرگنمایی شود، خواهید دید که زندگی بر روی آن وجود دارد، چند موجود در آن وجود دارد، و آن موجودات چه تصاویری به خود گرفته‌اند. در سطوح حتی میکروسکوپی‌تر، موجودات حتی میکروسکوپی‌تری وجود دارند. شاکيامونی گفت که در یک دانه شن سه هزار دنیای بیکران وجود دارد. اگر به این شیوه ادامه دهیم، تئوری آموزش داده شده توسط شاکيامونی را دنبال کنیم- یعنی اینکه سه هزار دنیای بیکران در یک دانه شن وجود دارد- آیا این درست نیست که سه هزار دنیای بیکران در دانه شن، مانند دنیای بشری، دارای رودخانه‌ها، رودها، دریاها و اقیانوس‌ها هستند؟ پس آیا در رودخانه‌ها، رودها، دریاها و اقیانوس‌ها نیز شن وجود ندارد؟ و آیا دانه‌های شن در آنها نیز حاوی سه هزار دنیای بیکران نیستند؟ بنابراین اگر این منطق دنبال شود، آیا این درست نیست که شن درون آن شن نیز حاوی سه هزار دنیای بیکران است؟ من متوجه شدم که آنها بسیار نامحدود هستند و هیچ راهی برای شمارش آنها وجود ندارد، و موجودات روشن‌بین بزرگ در سطوح حتی بالاتر، همگی معتقدند که موجودات و مواد آنقدر میکروسکوپی می‌شوند که انتهای برای آن نیست. آنگاه ماده تا چه اندازه می‌تواند میکروسکوپی باشد؟ حتی خدایان و بوداها در سطوح بسیار بالا نمی‌توانند منشأ آن را ببینند- منبع و سرچشمه‌هایی که ماده را شکل می‌دهند. در این رابطه، علم انسان حتی به سطح پیش‌دستانی نیز نرسیده است! آن برای همیشه در تاریکی باقی خواهد

ماند، و اصلاً با فای بودا قابل مقایسه نیست. دانش مدرن صرفاً می‌تواند ذرات را تا کوچکی نوترینوها و کوارک‌ها درک کند. در حقیقت، علم مدرن فقط نوترینوها و کوارک‌ها را تشخیص داده است؛ هیچ راهی برای دیدن آنها وجود ندارد، هیچ میکروسکوپی به اندازه کافی قدرتمند نیست. به همین دلیل است که چند لحظه پیش گفتم بودا شاکيامونی منشأ اصلی ماده را ندید، و ندید چه چیزی بزرگترین مواد موجود در جهان هست. بنابراین، او اظهار داشت: «آنقدر بزرگ است که هیچ سطح بیرونی ندارد، و آنقدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد.» به آن معنا که این جهان آنقدر بزرگ است که هیچ مرزی ندارد، و به آن اندازه کوچک است که پایانی برای کوچک بودن ماده وجود ندارد. یک بودا تاتاگاتا کاملاً باشکوه است، و با وجود اینکه می‌تواند این اندازه ببیند، هنوز نمی‌تواند انتهاترین نقطه را ببیند.

این بدان معنی است که این جهان گسترده و عظیم است، و اجزای آن بزرگ و پیچیده است. در مورد سرمنشأ ماده، در واقع دیگر نمی‌توان آن را «ماده» نامید. این قدرت فا یا سرشت جن شُن رن است که عناصر اصلی را به مواد اولیه تبدیل می‌کند، و آنها نیز به ترتیب، از طریق جن شُن رن لایه‌لایه سطوح مختلف مواد را تشکیل می‌دهند، تا اینکه یک لایه بزرگتر از ماده ایجاد شود، و برسد به نوترینوها، کوارک‌ها، هسته‌های اتم، اتم‌ها، مولکول‌ها تا به تمام مواد سطحی که انسان‌ها اکنون درک می‌کنند. همه آنها از طریق این سرشت جن شُن رن با هم ادغام شدند. بنابراین، حقیقت نهایی این جهان، جن شُن رن است و جوهر فای بودا است.

گفتن این سه کلمه آسان است، اما اگر این فاسط یابد، واقعاً بزرگ است. جن شامل اصول بسیار زیادی در سطوح مختلف است، همانطور که شُن و رن همینطور دارای اصول بسیار زیادی در سطوح مختلف هستند. در سطح بشری عادی، جن شامل خیرخواهی، درستی، آداب، حکمت، امانتداری و اعتماد و بسیاری دیگر از اصول انسانی است؛ شُن در سطح بشری شامل احساسات (چینگ) است، و اینها همه اصول فایی است که از قانون بزرگ حقیقی و بنیادین جهان - جن شُن رن - گرفته شده است.

در مورد احساسات، اگر بشریت احساسات نداشته باشد، انسان‌ها در یکی از دو حالت قرار می‌گیرند: بی‌عاطفه مثل فرازمینی‌ها یا نیکخواه مثل خدایان. یک انسان دقیقاً به این دلیل یک انسان است که احساسات دارد. یک شخص به دلیل احساسات خوشحال یا ناراضی است. چیزی را دوست دارد یا دوست ندارد؛ از شخصی ناراحت هستید یا با شخص دیگری دوست هستید؛ در مورد انجام کاری خوشحال هستید یا می‌خواهید مقدار مشخصی پول بدست آورید؛ یا می‌خواهید کاری خوب در حکومت داشته باشید - تمایل شما نسبت به همه چیزهایی که می‌خواهید انجام دهید... خواسته شما برای انجام این و آن... همه چیز در دنیای بشری درون احساسات است. و انسان‌ها سرسختانه دنبال چیزها هستند دقیقاً به این خاطر که آنها توسط احساسات هدایت می‌شوند. در این سطح جامعه بشری، فا موجودات بشری و بُعد بشری را ایجاد کرد، و وضعیت بشری را بنا نهاد. تزکیه عمدتاً درباره رها شدن از وضعیت بشری است، خلاص شدن از وابستگی‌هایی که توسط احساسات هدایت می‌شوند، به تدریج همانطور که تزکیه می‌کنید آنها را سبک می‌گیرید، و به این ترتیب به آرامی خودتان را ارتقاء می‌دهید. بعضی از مردم فکر می‌کنند که زندگی بدون احساسات خسته‌کننده خواهد بود - بدون فیلم‌های بیشتر، بدون علاقه به پیدا کردن همدم‌های جذاب، بدون اشتیاق به غذاهای خوشمزه - این خیلی خسته‌کننده خواهد بود. با این حال، من به شما می‌گویم این چگونگی نگاه از منظر یک فرد عادی است. اگر به قلمروهای بالاتر برسید، وضعیت زیبای آن قلمروها را کشف خواهید کرد، و خواهید فهمید همه چیز بهتر از اینجا در دنیای بشری است. به طوری که هیچ کلمه‌ای وجود نخواهد داشت که قادر به توصیف زیبایی آن باشد. اما اگر می‌خواهید از آن زیبایی لذت ببرید، باید خود را از تحریک احساسات، وابستگی‌های عادی که به منافع انسانی دارید خلاص کنید. تنها زمانی که وابستگی‌های عادی انسانی را ترک می‌کنید، چیزهای بهتری کسب خواهید کرد.

شما همه شاگرد من هستید، بنابراین همانطور که تزکیه می‌کنید، ممکن است استانداردهای بسیار بالایی برای شما تعیین کنم. همانطور که در تزکیه پیش می‌روید، ممکن است در حال حاضر قادر نباشید بسیاری از وابستگی‌های بشری را کنار بگذارید، اما نگران نباشید. اگر وقتی که امروز آموزش فا را تمام می‌کردم هر کدام از شما می‌توانستید انتظارات را برآورده سازید،

درجا یک بودا می‌شدید. (تسویق) اما انجام آن برای هر کسی که مبتدی باشد دشوار است. ترک کردن همه چیزهای بشری در یک لحظه غیرممکن است. همه احساس خوبی دارند که اینجا بنشینند و به فا گوش کنند، و مایل به شنیدن صحبت من هستند؛ زیرا این تأثیری است که قدرت عظیم یک روش درست [با خود] دارد. انرژی در یک روش تزکیه درست، مهربان و هماهنگ است و می‌تواند تمام عناصر منفی را پاک کرده و از آنها مراقبت کند. به همین دلیل همه کسانی که اینجا نشستند احساس خوبی دارند. شما می‌توانید همین کار را بعداً زمانی که به سطح خاصی از تزکیه رسیده‌اید انجام دهید. در ابتدا نمی‌توانید این کار را انجام دهید چون هنوز وابستگی‌های بسیار زیادی وجود دارند که رها نکرده‌اید و افکار درست شما هنوز قوی نیستند. تمام احساسات در میان مردم و تضادهایی که از نفع شخصی حاصل شده‌اند و شما در جامعه بشری با آنها مواجه می‌شوید، هنوز یک مقدار معینی مزاحم شما خواهند بود. و وقتی کارما در حال از بین رفتن باشد بدن شما احساس بد یا ناخوشی خواهد داشت. در میان سختی‌ها چگونه خود را اداره می‌کنید؟ اگر بتوانید خودتان را بهبود بخشید و تضادها را مثل افراد عادی اداره نکنید، آنوقت در حال بهبود و تقویت افکار درست خود هستید. وقتی کسی شما را می‌زند، اگر به یاد داشته باشید: «من یک تمرین‌کننده هستم، شما یک فرد عادی هستید. بنابراین من بطور یکسان رفتار نمی‌کنم»، پس شما رشد می‌یابید. اگر واقعاً قادر باشید زمانی که مشت می‌خورید ضربه را تلافی نکنید و زمانی که ناسزا می‌شنوید توهین نکنید، اگر زمانی که دیگران برای پیشی گرفتن از شما با شما مبارزه می‌کنند موفق شوید آن را سبک بگیرید، آنوقت اگرچه این فقط تفاوت در یک فکر است، پیشاپیش هزار مایل از مردم عادی فاصله دارید. با این حال، اگر می‌خواهید به این نقطه برسید، پس باید دائماً در حال پیشرفتی استوار باشید چون در میان مردم عادی تزکیه می‌کنید. ممکن است بگویید: «من می‌خواهم آن را بلافاصله به دست بیاورم»، اما این واقعاً سخت است. شما باید در میان تجربیات و آزمایش‌های واقعی وابستگی‌ها را رها کنید، و فقط پس از آن، چیزی که در تزکیه حاصل می‌شود، محکم و خالص است.

علم انسان هرگز نمی‌تواند به قلمروی بوداها برسد. چرا؟ زیرا خرد بشری توسط موجودات بالاتر محدود و کنترل می‌شود. چرا؟ چون انسان‌ها توسط خدایان خلق شده‌اند، و حقایق انسانی [در مقایسه با آنها] که در بالا هستند معکوس هستند. یک بودا چیست؟ او ضامن تمام موجودات در سطح خود است، محافظ تمام موجودات و مدافع حقیقت جهان است. پس درباره آن فکر کنید: موجودات بشری انواع وابستگی‌ها، از جمله وابستگی به شهرت، ثروت، احساسات و آرزوها و حسادت دارند، بنابراین اگر به آنها اجازه ورود به قلمروی بوداها داده شود، ممکن است شروع به مبارزه با یک بودا کنند. چگونه می‌تواند آن مجاز باشد؟ بنابراین، باید قبل از اینکه بتوانید به آن قلمرو و موقعیت برسید، باید در حالیکه اینجا در میان انسان‌ها هستید این وابستگی‌های بشری را از بین ببرید. در حال حاضر راهبانی وجود دارند که به مردم عادی می‌گویند: «شما یک بودا هستید! شما اسم بودا را به صورت ذکر می‌خوانید، بنابراین زمانی که زندگی فعلی خود را تمام می‌کنید، تبدیل به یک بودا می‌شوید، حتی اگر نخواهید.» این همانند تهمت زدن به بودا و تهمت زدن به فا است. یک راهب یک انسان است، و حتی کسانی که واقعاً موفق به تزکیه می‌شوند، صرفاً تزکیه‌کننده هستند. اگر او به خوبی تزکیه نکند، او هیچ چیز نیست، درست مثل یک فرد معمولی است. اگر در حین تزکیه اشتباه کند، گناهی که او مرتکب می‌شود بزرگتر از گناه یک فرد معمولی است، و آن نامیده می‌شود: «با بر تن داشتن لباس بودا آسیب رساندن به فای بودا.» بنابراین، کورکورانه به آن راهبانی که واقعاً تزکیه نمی‌کنند اعتقاد نداشته باشید. تزکیه واقعی درباره تزکیه ذهن بشری است، و اگر فرد از وابستگی‌های بشری خود خلاص نشود، هرگز نمی‌تواند به آن قلمرو برسد. اگر قرار بود انسان‌ها با استفاده از ابزارهای علم و فناوری به آنجا برسند، واقعاً یک جنگ کهکشانی، جنگ ستاره‌ای کیهانی رخ می‌داد. چگونه یک بودا می‌تواند به شما اجازه دستیابی به این را بدهد؟ این صرفاً داستان علمی تخیلی است، و هرگز نمی‌تواند واقعیت باشد. اگر انسان‌ها بخواهند راه خود را به سطوح بالاتر بسازند و موجودات بالاتر را بشناسند - اگر بخواهید یک موجود بالاتر باشید یا اگر واقعاً بخواهید حقیقت جهان را بدانید - تنها راه، از طریق تزکیه است. این تنها راه است. بنابراین، به شما می‌گویم: در جامعه عادی انسانی، بدون توجه به چالش‌هایی که در روزهای آینده با آنها مواجه هستید، چه تضادهایی باشند که شین‌شینگ شما را امتحان می‌کنند، کسی شما ناراحت می‌کند، کسی از شما سوءاستفاده می‌کند، کسی به شما زور می‌گوید، یا به نوعی رنج می‌برد - به شما می‌گویم، این لزوماً بد نیست. اگر واقعاً می‌خواهید تزکیه کنید، به شما می‌گویم، مسیر زندگی شما

برای تان از نو نوشته خواهد شد. چرا باید آن را دوباره نظم و ترتیب دهیم؟ زیرا یک انسان زندگی انسانی خود را دارد، و قبل از اینکه تزکیه را برگزیند، آینده او مانند یک فرد معمولی است، و چه کسی می‌داند که او چه مدت باید زندگی کند. برخی افراد ممکن است طولانی‌تر از دیگران زندگی کنند، اما هیچ کسی نمی‌داند چنین افرادی چه زمانی بیماری جدی خواهند داشت یا چند سال بیمار خواهند بود. چگونه افرادی مانند آن می‌توانند تزکیه کنند؟ یا بعضی از مردم ممکن است از میان درد و رنج‌های بزرگ بگذرند- و وضعیت‌هایی مشابه آن باعث می‌شود که تزکیه غیرممکن باشد. من مسیر را برای همه شما پاکسازی می‌کنم، تمام آن چیزها را پاکسازی می‌کنم و یک راه برای تزکیه نظم و ترتیب می‌دهم. البته، این را نمی‌توان به طور سرسری برای افراد عادی انجام داد. آن می‌تواند فقط برای تزکیه‌کنندگان انجام شود.

پس چرا تزکیه‌کنندگان خیلی خاص هستند؟ آن به این دلیل است که زندگی یک انسان برای انسان بودن نیست. زندگی شما از این زمین نمی‌آید؛ زندگی شما از بُعدهای بالاتر می‌آید. هدف از زندگی شما بازگشت است، بنابراین زمانی که آرزو برای تزکیه ظاهر شود، آن روشن‌تر از طلا می‌درخشد، و بوداها در دنیای ده جهت آن را می‌بینند. وقتی که یک انسان آن فکر را داشته باشد- یک آرزو برای تزکیه کردن- آن بسیار ارزشمند است. هیچ چیز به‌طور سرسری برای افراد عادی انجام نمی‌شود، زیرا معمولاً مردم عادی در زندگی‌های قبلی خود کارهای خوبی انجام نداده‌اند و باید در این زندگی برای آن بپردازند. اگر شما هم‌بطنی کارمای‌شان را از بین برده و درد و رنج‌هایشان را حذف کنید، این بدان معنی است که مردم می‌توانند کارهای بد را بدون مجازات انجام دهند. این امر اصول بودا و قانون آسمان را تخریب می‌کند. چطور می‌تواند اجازه داده شود این اتفاق بیفتد؟ هیچ راهی وجود ندارد. بوداها، داتوها و خدایان همه از اصول جهان محافظت می‌کنند و کارها را برای محافظت از اصول فاه، جن، شن، رن انجام می‌دهند. به همین دلیل است که می‌گویم زمانی که شما به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، بعضی اوقات با سختی‌ها مواجه می‌شوید، چهار چیز را بدست خواهید آورد. هنگامی که دیگران شما را به کنار می‌رانند، هنگامی که از شما سوءاستفاده می‌کنند یا زمانی که به منافع شما تعدی می‌کنند، در عوض به شما تقوا می‌دهند و این [چیزهایی که به دست می‌آورد] به منافع حتی بزرگتری تبدیل خواهند شد. و در حالی که رنج می‌برید، شما طرفی هستید که از دست می‌دهد، و شما سمتی هستید که رنج می‌برد، بنابراین کارما در بدن شما به تقوا تبدیل خواهد شد. مقداری که رنج می‌برید به همان میزان تبدیل می‌شود. همچنین، شما یک تزکیه‌کننده هستید، و آنطور که دیگران تضادها را اداره می‌کنند عمل نمی‌کنید. شما در قلب‌تان این مسئله را به نحوی که دیگران در نظر می‌گیرند در نظر نمی‌گیرید، بنابراین گونگ شما رشد خواهد کرد. چرا اینطور است؟ آن به این دلیل است که شین‌شینگ شما بهبود یافته است. ارتفاع سطح شین‌شینگ شما هر اندازه که باشد، ارتفاع گونگ شما همان اندازه است- این یک حقیقت مطلق است. ممکن نیست که گونگ شما بالاتر از شین‌شینگ‌تان که بهبودی نداشته است برود، زیرا این فای جهان همه موجودات را کنترل می‌کند. تمام مواد در این جهان موجودات هستند، و همه آنها توسط جن شن رن ساخته شده‌اند. بنابراین، آنها نیز انسان‌ها را محدود می‌کنند، و زمانی که شما استاندارد را برآورده نمی‌کنید، تمام عناصر مانع حرکت شما به بالا می‌شوند. این یک اصل است که یک بار توضیح دادم: اگر یک بطری پر از مواد کثیف را در آب بیندازید، «تالاب»- به‌طور مستقیم به پایین فرو می‌رود. کمی از مواد کثیف داخل آن را بیرون بیاورید و آن کمی بالا می‌آید؛ کمی بیشتر بیرون بریزید، کمی بیشتر بالا می‌آید. تمام مواد کثیف آن بطری را خالی کنید، و دیگر آن به هیچ صورتی به پایین نمی‌رود حتی اگر آن را فشار دهید. آن در سطح آب شناور خواهد شد، و آن جایی است که قرار است باشد. اگر شما واقعاً تزکیه کنید، آن مانند بیرون ریختن مواد کثیف است: درجه‌ای که شما چیزها را پاک کرده‌اید باید نشان‌دهنده جایی باشد که تا آنجا تزکیه کرده‌اید. آن اینگونه عمل می‌کند.

چیزهای زیادی هستند که می‌خواهم در مورد آنها صحبت کنم. زیرا واقعاً امیدوارم که به همه کمک کنم تا فا را بیشتر به دست آورند، وقتی شروع به صحبت می‌کنم می‌خواهم چیزهای زیادی را به همه بگویم. البته من هرگز نمی‌توانم تمام چیزهایی را که می‌خواهم، به شما بگویم چراکه زمان بسیار محدود است. کتاب *جوآن فالون حاوی مجموعه‌های متعددی از آموزش‌هایی است که وقتی تمرین را در چین آموزش می‌دادم برگزار کردم*. آنها را در یک کتاب جمع‌آوری کردم و شخصاً آن را پیش از انتشار اصلاح کردم. بنابراین آن فایی است که به طور نظام‌مند تزکیه را هدایت می‌کند. اکنون نوارهای صوتی و

تصویری سخنرانی‌های من در دسترس هستند، بنابراین شما می‌توانید با تماشا کردن آنها و گوش دادن به آنها تمرین خود را تکمیل کنید.

همچنین، می‌خواستم به همگی شما بگویم که من قدرت عظیم فای بودا و توانایی‌های مختلف خود را در کتاب و این فا قرار داده‌ام. چه نوارهای ویدئویی باشد، چه نوارهای صوتی یا کتاب- تا زمانی که آن را تماشا کنید، به آن گوش دهید، یا آن را بخوانید، تغییرات را تجربه خواهید کرد. تا وقتی آن را بخوانید، می‌توانید بیماری را به تعویق بیندازید. تا زمانی که تزکیه می‌کنید، بدن‌تان تغییرات اساسی خواهد کرد. تا زمانی که در تزکیه خود استوار باشید، توانایی‌هایتان را توسعه خواهید داد. و برکت‌های بی‌حد و حصر دافا را می‌بینید، می‌شنوید و احساس می‌کنید. اگر یک تزکیه‌کننده واقعی هستید، من تمام قدرت‌های عظیم فای بودا را به شما خواهم داد. تا زمانی که تزکیه می‌کنید، آنها را به دست می‌آورید. البته اگر تزکیه نکنید، آنها را به دست نخواهید آورد.

معانی درونی کتاب عمیق است و خود را در اولین دور خواندن نشان نمی‌دهد. از آنجا که از شما خواسته شده است که قدم به قدم تزکیه کنید، در نقطه حرکت، در سطح عادی بشری، فا در این سطح برای هدایت تزکیه‌تان وجود دارد. اما زمانی که شما با تزکیه رشد می‌کنید، اگر با همان اصول به‌عنوان راهنمای تزکیه‌تان ادامه دهید آن عملی نخواهد بود. به‌عنوان مثال، اگر زمانی که شما به دبیرستان می‌روید از کتاب‌های درسی ابتدایی استفاده کنید، هنوز یک شاگرد مدرسه ابتدایی هستید. اگر زمانی که به دانشگاه می‌روید هنوز از کتاب‌های درسی ابتدایی استفاده کنید، هنوز هم یک شاگرد مدرسه ابتدایی هستید. این بدان معنی است که وقتی شما از طریق تزکیه به سطح خاصی می‌رسید، فا در آن سطح مشخص، خود را به‌عنوان راهنمای‌تان آشکار خواهد کرد. فقط به این روش می‌توانید به بالا تزکیه کنید. اصول فا در قلمروی انسان عادی تا برسد به بالاترین قلمروهای جهان، در کتاب *جوآن فالون* دربرگرفته شده است. اصول فا از تمام سطوح در این کتاب گنجانده شده‌اند، هرچند که آنها در سطح آشکار نیستند. در اولین دور خواندن اینکه چطور شخصی خوب بود آشکار می‌شود. وقتی دور دوم خوانده می‌شود، متوجه خواهید شد که چنین چیزی نیست. و بعد از دور سوم خواندن، خواهید دید که این کتابی درباره تزکیه واقعی است. همانطور که به خواندن آن ادامه می‌دهید، متوجه خواهید شد که این کتاب الهی است. در مورد جمله‌ای یکسان، درک‌های مختلف و تفسیرهای مختلف در سطوح مختلف و در قلمروهای مختلف خواهید داشت. آن معانی درونی که در کتاب گنجانده شده بسیار عظیم است. در حال حاضر افراد بسیار زیادی هستند که کتاب را می‌خوانند، و بعضی آن را بیش از صد بار خوانده‌اند و هنوز در حال خواندن آن هستند. حتی اگر ده هزار بار خوانده باشید، احساس نمی‌کنید چیزی است که ارزش خواندن ندارد. در عوض، خواهید فهمید که هنوز موارد متعددی وجود دارند که قبلاً متوجه نشده‌اید، و هنوز هم درک‌های جدید بسیار زیادی خواهید آموخت. به همین دلیل این کتاب بسیار ارزشمند است. من نمی‌توانم اینجا به هر جنبه‌ای از آن بپردازم. اگر قادر به تزکیه باشید، فکر می‌کنم باید به‌طور جدی به مطالعه آن ادامه داده و آن را مکرراً بخوانید. سپس همه چیز را به دست خواهید آورد. تمام سؤالاتی که در اولین بار خواندن دارید در دور دوم خواندن پاسخ داده خواهند شد. آنوقت سؤالات جدیدی خواهید داشت، اما زمانی که آن را برای سومین بار بخوانید دوباره تمام آن سؤالات پاسخ داده خواهند شد. سپس همانطور که خواندن آن را ادامه می‌دهید، سؤالاتی در سطوح بالاتر دارید، و تا زمانی که خواندن آن را متوقف نکنید، تمام سؤالات شما توضیح و پاسخ داده خواهند شد.

منی‌دانم آنچه که گفتم آیا مورد علاقه شما هست یا نه. (تشویق) من مشتاق هستم که شما در تزکیه‌تان پیشرفت داشته باشید، بنابراین درباره چیزهایی در سطوح بالاتر صحبت می‌کنم. اگر هرچیز نامناسبی هست، می‌توانید به آن اشاره کنید. از همگی تشکر می‌کنم. (تشویق طولانی)